

تقی زاده هشدارهای آمریکا و صهیونیسم

ایرج افشار



۱- درآمد

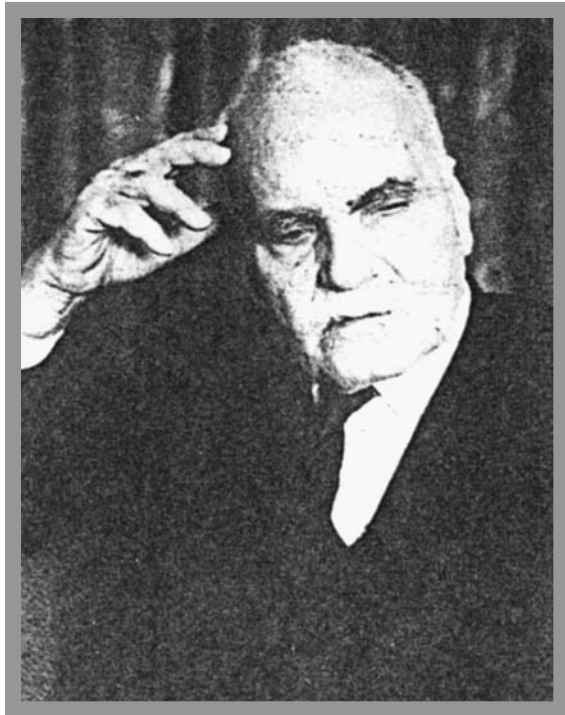
اینک بخش موردنظر از نامه‌های تقی زاده (یکی خطاب به احمد قوام رییس‌الوزرای وقت) در آذر ۱۳۲۰ و دیگری خطاب به وزارت امور خارجه در بهمن ۱۳۲۲ عیناً نقل می‌شود.

۲- نامه‌ی تقی زاده به رییس‌الوزرا

هشتم آذر ۱۳۲۱

دوست محترم معظم

اگر در این مدت چیزی به‌طور خصوصی عرض نکرده‌ام، سببش فقط رعایت اوقات شریف بوده که می‌دانم مشاغل لایتناهی، فراغتی به مطالعه یا جواب معروضات خصوصی نمی‌دهد و از طرف دیگر راجع به امور جاریه‌ی سیاسی هم مطالب مرتباً به‌وسیله‌ی تلگراف مخابره و مبادله می‌شود و اگر هم گاهی شرحی به‌وسیله‌ی پست عرض می‌شود، اولاً خیلی دیر می‌رسد و ثانیاً با اوضاع فعلی صفت محرمانه کمابختی بر آن صدق نمی‌کند. مع‌ذلک می‌خواهم بدین‌وسیله راجع به دو سه فقره امور مهمه خاطر شریف را به‌طور خصوصی مصدع گردم.



سیدحسین تقی‌زاده (وزیرمختار و سپس سفیر کبیر ایران در انگلستان از هفتم مهر ۱۳۲۰ تا تابستان ۱۳۲۶)، نامه‌هایی در طی این مدت از لندن به مقامات اصلی مملکت نوشته است. از جمله در موردی که صحبت سیاست آمریکا و ورود مستشاران آمریکایی (در حکومت قوام‌السلطنه در ۱۳۲۱)، پیش می‌آید، وجود و انتشار آمریکایی‌ها را در آن دوره در برابر قدرت و نفوذ شوروی مفید دانسته و گفته است: «دیگر این‌که استخدام مستخدمین و مستشاران آمریکایی در این حالت کنونی بلاشک بهترین تدبیر بوده و هست و شاید برای حفظ ولایات شمالی با مرکز هم مفید باشد، لیکن می‌خواهم آن‌چه به‌نظر قاصر می‌رسد، در این باب عرض کنم... در فواید آن هم نباید مبالغه حاصل شود.»^۱

از جمله علت‌هایی که در شصت و دو سال پیش (در هشتم آذر ۱۳۲۱) مورد توجه او بود، آن بود که: «انتشار آمریکایی‌ها در ایران و تزاید نفوذشان، یک نتیجه‌ی مکروه و نامطلوبی هم ممکن است داشته باشد که اگرچه فی حد ذاته به‌نظر مهم نمی‌آید، ولی اگر غفلت از جلوگیری آن بشود، ثمرات موجب زحمت تولید تواند کرد و آن حمایت و رعایتی‌ست که آمریکایی‌ها از قوم یهود می‌کنند... لکن افراط در راه‌دادن به این جماعت و مدعیات افراطی آن‌ها و خصوصاً به یهودی‌های خارجی فتنه‌طلب صهیونی Zionist که با مقاصد تحریکات و نیات سوء حالا از هر طرف در پناه حمایت خارجی به ایران می‌ریزند، موجب نتایج وخیمی تواند شد...»^۲

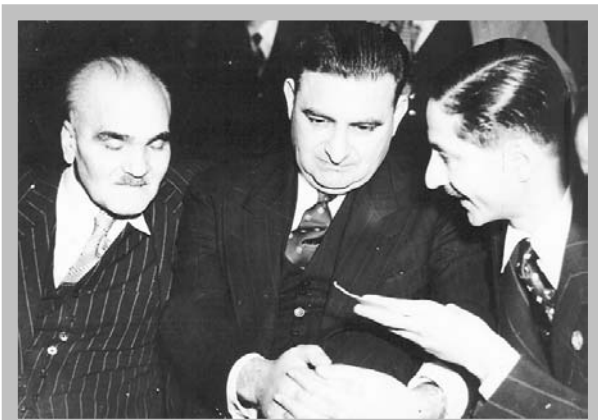
احتمالاً تذکر تقی‌زاده در این قضیه (که تفصیلش را در نامه‌ی محرمانه به وزارت امور خارجه نوشته)، از نخستین یادآوری‌های یک سیاستمدار ایرانی به حکومت بوده است.^۳

تقی‌زاده، در مقامی که به موضوع ورود و نفوذ و انتشار آمریکایی‌ها پرداخته است، از اظهار شور و عشق عده‌ی نسبت به دکتر جردن [بانی کالج البرز که در شماره‌ی اسفند ۱۳۸۳ ماهنامه‌ی حافظ هم مقاله‌ی راجع به سوابق آن به‌قلم آقای مجید مهران چاپ شده بود] به این نگرانی رسیده بوده است که مبادا موجب تجدید فعالیت مبشرین مسیحی بشود. لذا به قوام‌السلطنه می‌نویسد: «بریدن پای میسیونرهای خارجی خاصه موقوف‌نمودن مدارس آن‌ها از کارهای خوب دوره‌ی سابق بوده است...»^۴

تقی‌زاده در همین نامه اطلاعات خود را درباره‌ی قراردادی که میان مبلغین مسیحی آمریکا و انگلیس و حوزه‌ی فعالیت آن‌ها وجود داشت اظهار می‌کند و اشارتی دارد به ضدیت خاص افراد میسیونر انگلیسی نسبت به ایران.

اولاً، تزیاید تدریجی قدرت دولت و انتظام روزافزون امور و استحکام و ثباتی که در نتیجهی تدابیر حضرت عالی پیدا شده و می شود، موجب بسی خوش وقتی و کمال تشکر است...

ثانیاً آن که، انتشار امریکایی ها در ایران و تزیاید نفوذشان، یک نتیجهی مکروه و نامطلوبی هم ممکن است داشته باشد که اگرچه فی حد ذاته به نظر مهم نمی آید، ولی اگر غفلت از جلوگیری آن بشود، ثمرات موجب زحمت تولید تواند کرد و آن حمایت و رعایتی ست



هیأت نمایندگی ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد؛ از راست: نصرالله انتظام، علی سهیلی، سیدحسن تقی زاده

دارند و قراردادی در هفتاد هشتاد سال قبل منعقد نموده اند که حکم آن هنوز جاری ست، مملکت ایران را به دو منطقه ی نفوذ تقسیم کرده اند که هر کدام از آن ها در یکی از آن دو منطقه کار کنند، دیگری حق استقرار و کار در آن نداشته باشد. ولایات و ایالات شمالی و تهران در حوزه ی نفوذ مشرین امریکایی ست و ولایات جنوبی و مرکزی در منطقه ی انگلیس ها که برای تبلیغ احکام خدا [!] منطقه ی منافع برای خودشان برقرار نموده اند.

بعد از انقلابات سیاسی پارسال در ایران که زبان جراید و ناطقین در انگلستان نسبت به ایران باز شد، کم تر کسی بیش تر از میسیونرهای انگلیسی که در ایران بوده اند، بر ضد ایران حرف زد و یکی از آن ها که در کمبریج نطق می کرد، از مظالم دولت ایران به مردم مملکت داد بلاغت داد و در ضمن گفت که به قدری مردم را گدا و لخت و از هستی ساقط نموده اند که حالا حتا شیر هم برای چایی پیدا نمی کنند و بدبخت ها مجبور شده اند چایی بی شیر بخورند [!] و این شخص که ادعا داشت بیست سال در ایران بوده، خود خوب می دانست که ایرانی چایی را با شیر نمی خورد، ولی تأثیر کلامش در قلوب انگلیس ها معادل این بود که کسی در ایران بگوید در انگلیس مردم به قدری بدبخت شده اند که در تابستان هندوانه و یا آب دوغ هم پیدا نمی کنند و در ایام پرهیز بیچاره ها زلایبه هم ندارند. یا در امریکا از بدبختی مردم افغان صحبت کرده و بگوید که هفته ی یک بار هم گوشت خوک و یا خرگوش به دست شان نمی آید.

شاید پس از موضوع آذوقه ی فعلی و بعضی امور جاریه ی فوتی که محتاج به تدابیر خیلی عاجل است، مهم ترین کل امور سیاسی مملکت، همانا تهیه ی نقشه ی آتیه و تدارک لازم برای اساس کارها بعد از جنگ باشد. ریختن طرح مطلوب و نقشه ی اصلاحات جامع و اساسی برای موقع بعد از تخلیه ی ایران از قوای خارجی، ضروری ترین اقدامات امروز است. چنان که همه ی دول محارب و حتا آن ها که مملکت شان از دست آن ها رفته، کمیسیون های عمده از دانشمندترین رجال خود تشکیل داده و مشغول تهیه ی نقشه ی آینده (بعد از جنگ) هستند. عرض نکاتی که در این بابت به نظر بنده می رسد، موجب تطویل خواهد بود و یقین دارم همه ی آن نکات بر ضمیر عالی مکشوف است.

این عرایض که مانند یادداشتی عرض شد و یقین دارم همه ی این نکات بر ضمیر عالی روشن است، محض تذکر بود. آن چه در این مدت قلیل اقدام شده، جای قدردانی ست و قدم های چندی در طریق استقرار حکومت پیش آمده ایم که باید شکر سعی جمیل عالی و دعای اجر جزیل به عمل آورده شود.

اخیراً احساس می کنم اوضاع سیاسی تا حدی رو به بهبودی ست و امید است بهتر گردد. موضوع آذوقه که اندیشناک ترین مسایل است، رو به اصلاح به نظر می آید. کار نشر اسکناس و دادن ریال به

که امریکایی ها از قوم یهود می کنند و این فقره به حد معتدل هیچ عیبی ندارد و البته ایران همیشه نسبت به یهود رثوف و عطوف بوده و خدا نکند که روزی بعضی افکار مضره شیوع یابد که باعث مزاحمت مردم به هم وطنان یهودی خودشان که کوروش آن ها را از اسارت آزاد کرد و داریوش اجازه ی تجدید تعمیر بیت المقدس را به آن ها داد و خشایار شاه به شفاعت زن یهودیه ی خود استر از قتل عام آنان جلوگیری کرد، بشود. چه ایران در هر تاریخی در عهد اشکانیان و ساسانیان و دوره ی اسلامی، نسبت به آن ها مدارا و عطوفت داشته و حتا در عهد ایلخانیان سعدالدوله، وزیر اول مملکت، یهودی بود. لیکن افراط در راه دادن به این جماعت و مدعیات افراطی آن ها و خصوصاً به یهودی های خارجی فتنه طلب صهیونی (Zionist) که با مقاصد تحریکات و نیات سوء حالا از هر طرف در پناه حمایت خارجی به ایران می ریزند، موجب نتایج وخیمی تواند شد که از شرح آن در این جا محض احتراز از مزید تصدیع خودداری می کنم و اگر خواسته باشند، ممکن است مراسله ی محرمانه ی این جانب را به وزارت امور خارجه به تاریخ چهارم تیرماه سال جاری و نمره ی ۷۲۵ در این باب خواسته، ملاحظه فرمایند. ولی البته باید تکرار نمایم که این مفسده معادله با محسنات، وجود امریکایی ها به هیچ وجه نمی کند و شاید در مقابل آن محسنات امر جزئی ست و نیز با مراقبت معتدلانه و با احتیاط می توان از آن جلوگیری نمود.

رابعاً، از قراری که در جراید فارسی دیده می شود، در ضمن شور و عشقی که موقتاً نسبت به امریکا و امریکایی ها در محافل سیاسی تهران پیدا شده، بعضی ها حتا تا آن درجه پیش می روند که دولت را تشویق به عودت دادن مشرین امریکایی و تجدید افتتاح مدارس آن ها می کنند و دکتر جردن را دوست صمیمی ایران می نامند.

بباید عرض کنم که این نوع افراط، موجب تأسف است و بریدن پای میسیونرهای خارجی، خاصه موقوف نمودن مدارس آن ها، از کارهای خوب دوره ی سابق بوده است و اگر به هیچ وجه جلوی عملیات میسیونرهای انگلیسی را در جنوب و مرکز ایران نمی توان گرفت و باید امریکایی ها را هم راه داد، خوب است فعالیت مشرین امریکایی را هم فقط در جنوب ایران و اصفهان اجازه داد. در آن صورت ملاحظه خواهند فرمود که قدم پیش نخواهند گذاشت. چه بر حسب قراری که مرکز مشرین امریکایی با مراکز مشرین انگلیسی

حضرات به راه سهل تری افتاده و امیدواریم با گرفتن مقداری امتعه جلو تراکم اسعار خارجی هم تا حدی گرفته شود.

بنده دنبال مطلب را از دست نداده و نمی‌دهم و دائماً اصرار و تکرار خواهم کرد و گمان دارم اقدامات به کلی بی نتیجه نبوده است و البته اقدامات خود اولیای دولت در تهران هم سبب اصلی هر اصلاحی و گشایشی در روابط بین‌المللی بوده و می‌باشد.

بدبختانه به واسطه‌ی لنگی کار پست که در حکم مسدود شدن است و هم بسیار دیر می‌رسد و هم از دست خود حضرات می‌گذرد و انحصار راه مخابره به تلگراف که البته خیلی گران است، اطلاعات کافی و کامل از اوضاع پیدا نمی‌کنم، مگر در این اواخر که خودتان با چند تلگراف مشروح بسیاری از امور را مفصلاً توضیح فرمودید و بسیار ممنون شدم و میزانی به‌دستم آمد.

از قرارداد مالی که در پنجم خرداد بین ایران و دو دولت مجاور منعقد شده، تا این هفته نسخه‌ی به‌دست من نرسیده بود تا آن که گویا بعد از شکایت تلگرافی من تأکید فرمودند و یک نسخه فرستاده شد و رسید و عجب آن که از مراسلات ضمیمه‌ی آن جواب اقدامات بنده را در آن جا داده‌اند هیچ اطلاعی نداشتیم.

۳- نامه‌ی تقی‌زاده به وزارت امور خارجه

۲۸ بهمن ۱۳۲۲

خیلی محرمانه

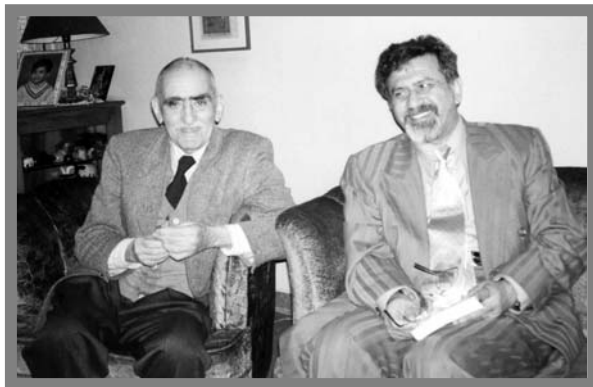
خصوصی و مستقیم

وزارت امور خارجه

مراسله‌ی شریفه (محرمانه‌ی) مورخه‌ی ۲۷ شهریور سال جاری به شماره‌ی ۳۶۶۰ مربوط به شرح لغت «آزادستان» در دایره‌المعارف اسلامی ترکی و اصل و منضمات آن مورد مطالعه گردید. چون در آخر مراسله مرقوم رفته که اگر نظری دارم عرض کنم، ذیلاً آن چه را به‌نظر قاصر می‌رسد معروض می‌دارد:

شرحی که در ضمن کتاب دایره‌المعارف ترکی درج شده، متضمن مطالبی نیست که اتفاقاً در یک مورد و به قلم یک مؤلف ترک فقط در آن کتاب و در ظرف امسال نوشته شده باشد، چون بدبختانه ایرانیان فارسی‌زبان از عالی و دانی و عوام و تربیت‌شده و ادبا و فضلا و دکترهای علوم مختلف و مصادر امور و وکلا و پیشروان مملکت و مدعیان احاطه بر معلومات عالم، نشریات و جراید و مجلات و کتب ترکی را نمی‌خوانند و زبان ترکی نمی‌دانند و اگر هم بعضی می‌دانند، مداومت بر خواندن آن‌ها ندارند و اصلاً خبری از مملکت و ملت ترکیه و عقاید آنان و جریانات ادبی و سیاسی و ملی آن‌جا ندارند و ترکیه برای آن‌ها مملکتی است پشت سد یا جوج و مأجوج و مانند مدینه‌التحاس و جابلقا یا تبت و مانچوری؛ لذا با آن که از امور جاریه در نیویورک و شیکاگو و پاریس و برلن و لندن که هزارها فرسخ از ایران دورند، کم و بیش اطلاع دارند و به عقاید نازی‌های آلمان و کوکولوکس کلان‌های آمریکا آشنا هستند، به آن چه در ممالک هم‌جوار جریان دارد، کم‌تر توجه دارند و بعد از سالیان دراز که مطالب و عقایدی هر روز و هر شب در پشت دیوار ایران جریان دارد، برحسب تصادف کسی یک قطعه از جراید یا کتب آن سامان را ترجمه [کند] و به‌نظر آنان برساند، یک مرتبه به تصور این که اتفاقاً فلان مطلب که صد هزار مرتبه در نشریات آن‌جا مکرر

شده و می‌شود، همین یک‌بار و به قصد خاص سیاسی در آن جریده یا کتاب نشر شده، قال و قیلی درمی‌گیرد و معرکه و غوغا برپا می‌شود و مثل عهد فتحعلی شاه که هر یک از علمای ایران قلم به‌دست گرفته، کتبی در ردّ پادری (هنری مارتن) که اعتراضاتی به دین اسلام نوشته بود، تألیف می‌کنند که گویی بعد از هزار و سیصد سال تازه در همه‌ی قرون تاریخ و تمام دنیا فقط یک نفر مسیحی برخلاف اسلام سخن گفته، غافل از این که در تمام ممالک مسیحی دنیا از قرن هشتم مسیحی تا حال، هر روز صد هزار مرتبه این طعن تکرار می‌شود و ما فقط وقتی که صادق کلدانی‌الأصل اورمی‌یی در تهران اظهار کرد که نصاری چنین عقیده دارند، به هیجان آمدیم. یا یک فرانسه‌دان عهد فتحعلی شاه از کتاب فرنگی ترجمه کرد و شنیدیم.



این فقره یک قاعده‌ی کلی در مملکت ماست که تصور می‌کنیم در دنیا فقط یک قومی به‌نام فرانسه و یک جماعتی به‌نام انگلیس و گاهی هم یک آلمان و روسی هست و باید از جریان کار آن‌ها و عقاید و احوال‌شان باخبر باشیم، ولی از احوال ملل هندوستان از برهمن و جاپنی و عقاید سیاسی احزاب آریاسواج و مهاسابها و زبان‌های گجراتی و مراتی و تلوگو و سندی و کشمیری و بنگالی و هندی و کناری و ادبیات و کتب و جراید و مجلات آن‌ها هیچ اطلاعی نداریم، حتا زبان اردو را کسی نمی‌خواند.

از ملل قفقازیه و زبان‌ها و عقاید آن‌ها بی‌اطلاعیم و نه تنها کسی جراید آن‌ها را نمی‌خواند و در ایران یک نفر گرجی‌دان پیدا نمی‌شود (با آن که در فریدن اصفهان آن همه گرجی‌زبان داریم)؛ حتا از آن چه در روزنامه‌های ارمنی و یهودی تهران نوشته می‌شود، کم‌تر کسی مطلع است و از **فعالیت صهیونیستین یهودی** در ایران در این سه سال اخیر بی‌خبریم و نظمی‌هی ما تنها مردم مسلمان را تعقیب می‌کند و شعبه‌ی ارمنی‌دان و یهودی‌دان و کردی‌دان و عربی‌دان و ترکی‌دان و کلدانی‌دان ندارد که از فعالیت درونی آن طوایف در ایران خبر بیاورد. حتا دولت از خیالات بهایی‌های فارسی‌زبان و علی‌اللهی‌های کردی‌زبان خبر صحیحی ندارد، گو این که این جماعت‌های آخری خیالات سیاسی مضرّی نداشته باشند. ■

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- تقی‌زاده، سیدحسن، نامه‌های لندن، به‌کوشش ایرج افشار، ص ۲۱۰.
- ۲- همان‌جا، ص ۱۲. ۳- همان‌جا، ص ۱۰۱. ۴- همان‌جا، ص ۱۳.